

رویکرد وظیفه‌محوری و تأثیر آن بر بهبود درک مطلب در آموزش انگلیسی

امیرعباس سلاخی ۱ و منوچهر عموزاده ۲

۱. کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی دانشگاه پیام نور مرکز شیراز

amirabbassalaxhi@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد زبان انگلیسی گرایش آموزش زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند

Manoochehr.amoozadeh@gmail.com

چکیده

درک مطلب، یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زبانی است و شاید بتوان آن را مطلقاً مهم‌ترین مهارت زبانی دانست. به تعبیری، غایت و هدف اصلی و نهایی آموزش زبان دوم و خارجه، چیزی نیست جز درک مطلب و دیگر مهارت‌های زبانی در آموزش زبان دوم از جمله شنیدن و گفتن، فرع بر درک مطلب هستند، زیرا گفتن شنیدن را اغلب با زبان بومی و اصلی انجام می‌دهند و هدف از آموختن زبان دوم، دستیابی به محتواهای تازه است. با این حال درک مطلب در کلاس‌های درس زبان انگلیسی ایران اغلب در رده‌های پایین اهمیت انگاشته می‌شود و بیش‌تر تکیه بر آموزش مهارت‌های دیگر و به‌ویژه دستور زبان است. دانش‌آموزان و دانشجویان نیز به سبب اهمیت کم‌تر درک مطلب در کلاس‌های زبان‌آموزی، اندک اندک ارتباط خویش را با این حوزه قطع می‌کنند و بیش‌تر به سمت دستور زبان و واژه‌آموزی میل می‌کنند. در اینجا است که آموزش وظیفه‌محور می‌تواند این نقیصه را جبران کند. در آموزش وظیفه‌محور، تکالیف حرف اول را می‌زنند و موجب بازشت توجه زبان‌آموز به درک مطلب می‌شوند، زیرا تکالیف را فعالیتی خواننده‌اند که بیش از ساختار بر محتوا متمرکز باشد. در این مقاله ضمن توصیف روش وظیفه‌محور، به تحلیل نقش آن در آموزش زبان می‌پردازیم و هدف شناخت بهتر تأثیر روش وظیفه‌محور در آموزش درک مطلب انگلیسی است.

واژگان کلیدی: وظیفه، تکلیف، روش وظیفه‌محور، زبان انگلیسی، درک مطلب.

۱- مقدمه

زبان‌آموزی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای تعلیم و تربیت است و دانش و فرهنگ و تمدن بشر، بنایی است که بر پایه‌هایی ساخته شده از مهارت‌های زبانی ایستاده است. زبان و زبان‌آموزی دارای مهارت‌های متعدد و متفاوتی است که چهار مورد آن دارای اهمیت بیش‌تر است و آن چهار مهارت عبارتند از خواندن، نوشتن، شنیدن و فهمیدن (درک مطلب). البته مهارت‌های زبانی بیش از این هستند، اما به طور معمول این چهار مهارت، مهارت‌های اصلی زبان انگاشته می‌شوند (تقی‌پور، ۱۳۷۱: ۶۱). مهارت در خواندن از جمله مسایل اصلی مورد بحث در یادگیری زبان است. توانایی درک مطلب، تفسیر و استنتاج از متون درسی و غیر درسی، دانش آموزان را با افکار و اطلاعات جدیدی آشنا می‌سازد تا راه بهتر اندیشیدن را بیاموزند. به عبارت دیگر خواندن به معنای علمی و جامع آن، وسیله‌ای است که می‌توان از طریق آن به ذخایر بی‌انتهای تجربه بشری دست یافت. آن گونه که از مبانی و چارچوب نظری خواندن بر می‌آید، خواندن معطوف به درک مطلب نوشته شده و شناخت ارزش‌ها، معانی و مفاهیم کلمه‌ها، جمله‌ها، عبارت‌ها و دریافت دانستنی‌ها و معنی و مقصود پیامی است که نویسنده با نشانه‌ها و رمزهای کلامی نگاشته است. برای درک هر چه بیشتر این فرآیند باید ماهیت خواندن و نظریات مربوط به آن، و همچنین سؤال و جواب‌های مربوط به خواندن، مورد توجه دقیق قرارگیرد. خواندن فرآیندی پویا و تعاملی است که هم خواننده و هم محتوا در آنچه آموخته می‌شود سهیم می‌باشند (رشیدور، ۱۳۷۱: ۷۱).

۱-۱- بیان مسئله

خواندن و درک کردن، یکی از روشهای کسب معلومات به حساب می‌آید. برخلاف صحبت کردن، خواندن خود به خود آموخته نمی‌شود؛ بلکه باید آن را یاد گرفت. به طور کلی توانایی خواندن و درک مطلب، مهارتی است که در یک روند برنامه‌ریزی شده و در یک دوره زمانی نسبتاً بلندمدت آموزش داده می‌شود. خواندن در برگیرنده مجموعه‌ای از مهارتهاست که پایه مشترک موفقیت در همهٔ زمینه‌های تحصیلی می‌شود. محور اصلی سوادآموزی، خواندن است و از هر کسی انتظار می‌رود که خواندن و نوشتن را بداند. خواندن فرآیندی بیش از رمز خوانی علائم از روی یک صفحه کاغذ است، تلاشی است برای یافتن معنی که به درگیری فعال خواننده نیاز دارد (صدیقی‌فرد، ۱۳۹۱: ۸۵). خواندن فرآیندی پیچیده است که به معنی باز یافت اطلاعات از یک متن است و به کلمات ثبت شده روی صفحه کاغذ محدود نیست. خواندن با معیارهای تعلیم و تربیت ارتباط کامل دارد و یکی از کنش‌های آن، داشتن جامعه‌ای با سواد است. شاید کم‌تر مقوله‌ای در آموزش و پرورش مانند خواندن، امید و تصورات مردم را برمی‌انگیزد. تحقیقات فراوانی در زمینه چگونگی یادگیری خواندن انجام گرفته است که بر اساس یافته‌ها، یکی از مهم‌ترین روش‌ها آموزش از طریق تکلیف محور می‌باشد. این، الگویی است که توسط الیس مطرح شده است. در این روش فراگیران فعالیت‌های وظیفه‌محور را بدون استرس، هیجان و نگرانی انجام می‌دهند (مرجانی، ۱۳۹۷: ۱۳). در این مقاله برآنیم که تأثیر و اهمیت روش وظیفه‌محور را در آموختن مهارت‌های زبانی به‌ویژه خواندن و درک مطلب بررسی نماییم.

۱-۲- پیشینه تحقیق

دربارهٔ روش وظیفه‌محور و تکلیف‌محور در آموزش و تأثیر این روش بر آموزش زبان، پژوهش‌هایی چند شده است که هر یک از جنبه‌ای به این حوزه پرداخته‌اند. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

- مرجانی، رسول. (۱۳۹۷). «طراحی فرآیند نوشتن در سطح پایه با بهره‌گیری از رویکرد وظیفه‌محور در چارچوب رویکرد ارتباطی». *دوفصلنامه مطالعات آموزش زبان فارسی*. شماره ۷. صص ۱۲-۲۷. نوشتن مهارتی تولیدی است که دشواری‌ها و چالش‌هایی جدی دارد. سوال مهم تحقیق این است که چگونه زبان آموزان می‌توانند مهارت نوشتن را از همان ابتدا فرا بگیرند؟ در برخی از آموزشگاه‌ها به نوشتن در سطوح پایه زبان آموزان توجه نکرده، بلکه آنها را از نوشتن منع کرده‌اند و به مهارت‌های دیگر آموزشی پرداخته‌اند. چالش دیگر در مهارت نوشتن، آن است که طرخی از نوشتن در این سطوح ارائه نشده و هیچ فعالیت و مهارتی برای کسب مهارت نوشتن در سطح پایه در برنامه آموزشی نیست و گاهی تنها به دادن موضوع و درخواست یک انشا خاتمه

می یابد و استاد، تنها نقش ارزیاب متن را ایفا می کند. یکی دیگر از چالش های نوشتن، نبودن متون متناسب با سطح پایه (از ساده به مشکل) است که اساتید نوشتن را در فرایند آموزش دچار سردرگمی می کند. یکی از راه حل های تقویت نوشتن در این سطح، توجه به نیاز زبان آموزان در دوران زبان آموزی و بعد از آن است؛ بدین منظور کلاس فرایند محور با آموزش مهارت های لازم، زبان آموزان را در رسیدن به نیازهای واقعی خود کمک خواهد کرد. در این مقاله با بهره گیری از روش تکلیف محور، طرحی را جهت فرایند نوشتن تبیین کرده ایم که در سطح پایه شامل آموزش، تمرین و تکلیف، کارگاه تولید محصول، ارزیابی و دستور است.

- صحرائی، رضامراد. (۱۳۹۰). «برنامه درسی تکلیف محور؛ رویکردی نوین برای تقویت فارسی آموزی». *فصلنامه متن پژوهی ادبی*. شماره ۴۷. صص ۵۳-۶۸. در این پژوهش می خوانیم که انتخاب مواد درسی مناسب که بر مبنای اصول آموزشی تهیه و تدوین شده باشد، از مهمترین نکات در آموزش زبان است. این نکته بیش از آنکه مربوط به روش تدریس باشد، اهمیت برنامه درسی را نمایان می سازد. اگرچه توجه مدرسان زبان عمدتاً متوجه روش تدریس است، اما باید توجه داشت که طرح درس و برنامه درسی همسنگ روش تدریس است، اما باید توجه داشت که طرح درس و برنامه درسی همسنگ روش تدریس است (اگر نگوییم مهمتر از روش تدریس است). پیشینه مطالعات مربوط به آموزش زبان حاکی از آن است که این برنامه ها در یک سیر تکوینی قرار داشته و طی چند دهه ی اخیر از حالت صرف دستوری یا معنایی خارج شده و تعاملی تر شده اند. از میان برنامه های درسی مختلف، برنامه درسی تکلیف محور به عنوان رویکردی جدید که فضایی برای کاربرد واقعی زبان توسط زبان آموزان فراهم می کند، اخیراً جایگاهی قابل ملاحظه در میان دیگر رویکردها و برنامه های درسی یافته است. بارزترین ویژگی این رویکرد توجه همزمان به دستور و معناست که بر این ایده استوار شده است که زبان «ته به هدف برقراری ارتباط» بلکه «از طریق برقراری ارتباط» یاد گرفته می شود. به بیانی دیگر، در این رویکرد، یادگیری زبان برای این نیست که زبان آموز بعداً بتواند کاری انجام دهد یا چیزی بگوید. بلکه همه ی آن کارها را باید همزمان با یادگیری زبان انجام دهد و بگوید. با توجه به اهمیت تهیه و تدوین مواد آموزشی مناسب برای تقویت مهارت های زبانی، به ویژه مهارت خواندن، بر مبنای رویکرد آموزشی تکلیف محور زبان، هدف این پژوهش، بررسی جوانب مختلف این رویکرد و معرفی آن به عنوان روش نوین آموزشی برای تقویت درک مطلب فارسی آموزان است.

- صدیقی فر، زهره. (۱۳۹۱). «آموزش جمله های شرطی زبان فارسی به غیر فارسی زبانان: مقایسه ی دو روش تدریس ساختاری و تکلیف-محور». *پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان* شماره ۲. صص ۴۱-۵۲. محققان حوزه ی آموزش زبان بر این باورند که شیوه ی آموزش، تاثیر فراوانی بر سرعت و عمق یادگیری یک زبان دارد. اهمیت موضوع فوق، در آموزش برخی ساخت-های زبان فارسی که از پیچیدگیهای معنایی و نحوی برخوردارند، آشکار است. یکی از ساخت های مذکور، ساخت جمله های شرطی است که در پژوهش حاضر تلاش شده تا دو روش تدریس ساختاری و تکلیف-محور در آموزش این نوع جمله ها به غیر فارسی زبانان مورد بررسی قرار گیرد و روش تدریس برتر در این زمینه معرفی گردد. بدین منظور، ۳۰ نفر عرب زبان از دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) به صورت تصادفی انتخاب شدند و در دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفتند. گروه آزمایش، تحت آموزش جمله های شرطی به روش تکلیف محور و گروه کنترل، تحت آموزش به روش ساختاری قرار گرفتند. در پایان، از هر یک از این گروه ها آزمونی به عمل آمد. پس از جمع آوری داده های حاصل از آزمون و تجزیه و تحلیل آنها مشخص گردید که در تدریس جمله های شرطی، روش تکلیف محور نسبت به روش ساختاری از مزیت بیشتری برخوردار می باشد و می تواند به عنوان روش تدریس برتر مد نظر قرار گیرد.

۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

در میان ساخته های بشر می توان زبان را مهم ترین ساخته بشر دانست که با وسعت، عظمت، پیچیدگی، کارایی و انعطاف پذیری خود توانسته است که از مرتبه ساخت عبور کند و تبدیل به سازنده شود. زبان را انسان آفرید و سپس این آفریده انسان را دوباره ساخت. امروزه تمدن بشر و اندیشه او تحت سیطره زبان قرار دارد به همین سبب آموختن زبان دارای اهمیت و

ضرورت فراوان است و هر تعداد زبان بیشتر به معنی پنجره های بیشتر و گشوده تر به روی جهان هستی و جهان اندیشه است به همین منظور روش های بسیار زیاد و متنوعی برای آموختن زبان ابداع شده است که یکی از آنها روش وظیفه محور یا تکلیف محور است و با این روش تلاش شده است که حوزه های تازه ای از زبان آموخته شود. با توجه به اهمیت زبان در حیات بشر و اهمیت شیوه های نوین زبان آموزی، موضوع پژوهش حاضر دارای ضرورت و اهمیت فراوان است.

۲- بحث

۲-۱- تعریف روش وظیفه محور

۲-۱-۱- تعریف وظیفه

دو اصطلاح وظیفه و مسئولیت، جزو مهم ترین واژگانی هستند که در محیط کار با آن مواجهیم. وظیفه و مسئولیت، دو مفهوم یکسان هستند؛ در صورتی که هر یک از این واژگان معانی جداگانه ای دارند که اغلب ناآگاهی از آنها، دلیل اصلی سوء تفاهم میان افراد است. وظیفه واحدی از کار است، فعالیتی که معمولاً یک نفر انجام می دهد و الزام به انجام دادن او از بیرون او سرمنشأ می گیرد. در مقابل، فرآیند، گروهی از وظیفه های به هم پیوسته است که با یکدیگر نتیجه ای با ارزش از دید فرد را به بار می آورند. فرآیند از وظایف مختلفی درست می شود. هر وظیفه، تکلیفی است که برای فرد تعیین می شود و او ملزم است که برای اثبات خویش آن را انجام دهد. به همین سبب مفهوم وظیفه و مفهوم تکلیف، در هم تنیده اند و با هم تعریف می شوند و به همین مناسبت، روش وظیفه محور را روش تکلیف محور نیز می خوانند (مرجانی، ۱۳۹۷: ۱۳). در ادامه به تعریف تکلیف می پردازیم.

۲-۱-۲- تعریف تکلیف

تکلیف در لغت به معنای درخواست یا امر کردن کسی به انجام دادن کاری دشوار است. تکلیف را در تعریفی دیگر، بستن کاری سخت به گردن کسی دانسته اند در حالی که در اصل برای آن شخص لازم نباشد و این بستن کار لازم به گردن خود را تکلف هم نامیده اند (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «تکلیف»). معانی اصطلاحی مختلفی برای تکلیف آمده است. برخی آن را اراده مرید (انسان اراده کننده) نسبت به امر مشقت آمیز تعریف کرده اند شماری آن را طلب کردن امری مشقت آور از سوی مقامی بالاتر دانسته اند. برخی نیز تکلیف را دستور کسی که اطاعت او واجب است، دانسته اند و این شخص می تواند خداوند، انبیا، والدین و معلم باشد (همان: ذیل «تکلیف» و «تکلف»). بر اساس تعریف الیس (۲۰۰۴) تکلیف فعالیتی است که بر معنی تاکید می شود نه بر ساختار زبان. این تعریف بسیار مهم است و در بحث خواندن و درک مطلب بسیار تعیین کننده است. در تعریفی دیگر، تکلیف یک نمونه از فعالیت کلاسی است که باعث درک بیشتر مطالب و تعامل بیشتر فراگیران می شود. تکلیف را به عنوان فعالیتی برای اهداف ارتباطی بالاتر دانسته اند (هالاها، ۱۳۷۱: ۶۸).

۲-۲- تعریف روش تکلیف محور

یک رویکرد ارتباطی است که در آن زبان از طریق استفاده کردن فرا گرفته می شود. به بیان دیگر، زبان آموزان زبانی را که لازم دارند را زمانی فرا می گیرند که برای انجام کاری که برایشان تعیین شده است، لازم داشته باشند. این روش آموزش در گروه برنامه درسی تحلیلی قرار دارد. این برنامه مشتمل بر یک سری اقلام زبانی نبوده بلکه از کارهای متعدد تشکیل شده است. کارها معنی دار بوده و زبان آموزان به هنگام انجام دادن آنها می بایست با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. کارها اهداف روشنی را دربردارند تا آنکه معلم و زبان آموزان بفهمند که آیا برقراری ارتباط موفقیت آمیز بوده است یا خیر. یک نمونه از کاری که در برنامه درسی تکلیف-محور، زبان آموزان می بایست انجام دهند، طراحی برنامه سفر است (تقی پور، ۱۳۷۱: ۶۳).

۲-۳- هدف روش وظیفه محور

هدف معلم از استفاده از این روش تسهیل یادگیری زبان آموزان است که از طریق اشتغال آنها در انواع کارهایی که نتایج مشخصی دارند صورت می گیرد. معلم وظیفه دارد نیازهای زبان آموزان را تحلیل کند و مناسب با سطح و توانایی و نیازهای آنها ایجاد فعالیت کند و بر فعالیتهای زبان آموزان نظارت داشته باشد و در صورت لزوم مداخله کند. زبان آموزان هم وظیفه دارند به

منظور انجام فعالیتهای با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و با انجام کارهایی که آنها را برای دنیای واقعی آماده می‌کند انگیزه کسب می‌کنند. در این روش بعد معنایی زبان مورد تأکید قرار می‌گیرد و بنا بر ماهیت کار هر یک از چهار مهارت (شنیدار، گفتار، خواندن و نوشتن) می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند، اما به طور معمول، بعد خواندن و درک مطلب در این روش، اهمیت بیشتری دارد (رشیدور، ۱۳۷۱: ۷۳).

معلم همچنین وظیفه دارد به طور مستمر بر اساس نتایج کار و زبانی که زبان آموزان استفاده می‌کنند آنها را مورد ارزیابی قرار دهد و اشتباهات آنها را با تکرار جملاتشان یا ارائه مدل یا توضیحات مختصر دستوری تصحیح کند (صحراپی، ۱۳۹۰: ۶۱).

۴-۲- بر خی فنون روش وظیفه محور در حوزه زبان آموزی

۴-۲-۱- **فعالیت فاصله اطلاعاتی:** تبادل اطلاعات بین زبان آموزان به منظور تکمیل یک فعالیت. زبان آموزان می‌بایست اطلاعات را بین گروه‌هایشان مبادله کنند تا بتوانند برنامه را تکمیل کنند.

۴-۲-۲- **فعالیت فاصله عقیده:** این فعالیت می‌خواهد که زبان آموزان اولویتهای شخصی، احساسی یا نقطه نظراتشان را برای انجام کاری بیان کنند (مرجانی، ۱۳۹۷: ۱۵).

۴-۲-۳- **فعالیت فاصله استدلالی:** در این فعالیت از زبان آموزان خواسته می‌شود که اطلاعاتی جدید را از اطلاعات ارائه شده، استنتاج کنند.

۴-۲-۴- **فعالیت‌های غیر متمرکز:** کارهایی هستند که عموماً برای زبان آموزان فرصتهای ارتباط برقرار کردن را فراهم می‌کنند. مانند طراحی برنامه سفر که زبان آموزان از ذخایر دانش زبانی خود برای انجام تکلیف مذکور استفاده می‌کنند.

۴-۲-۵- **فعالیت‌های متمرکز:** فعالیت‌هایی که با استفاده از موارد زبانی معین، مشخصاً ساختارهای دستوری فرصت برقراری ارتباط را فراهم می‌آورند.

۴-۲-۶- **فعالیت‌های ارائه مطلب دریافتی:** اینگونه فعالیت‌ها یادگیرنده‌ها را به کار بر روی مهارتهای دریافتی شنیداری و خواندنی می‌گمارد. (مانند: گوش کن و انجام بده)

۴-۲-۷- **فعالیت‌های انگیزش مطلب تولیدی:** اینگونه فعالیت‌ها زبان آموزان را به نوشتن و صحبت کردن معنادار ترغیب می‌کند (هالاها، ۱۳۷۱: ۷۲).

۵-۲- تأثیر روش وظیفه محور بر درک مطلب

مهارت درک مطلب با توجه به نتایج مثبت روش شنیداری گفتاری در دهه های گذشته مورد فراموشی قرار گرفته است. در حالی که بسیاری از مطالب درسی و علمی از طریق این مهارت انجام می‌گیرد. شاید درک مطلب مهمترین مهارتی است که دانش آموزان یا دانشجویان برای موفقیت به آن نیاز دارند. یقیناً تمام افراد فرصت لازم برای صحبت کردن با گویشگران بومی یک زبان را ندارند، اما خواندن و درک مطلب، این شکاف علمی را پر می‌کند. به علت عدم وجود کتاب هایی که بر اساس فعالیت های مهارت محور نوشته شده‌اند و برای اینکه بیشتر معلمان نحوه استفاده از روش تدریس تکلیف محور را نمی‌دانند، فواید این روش مکتوم و پنهان مانده‌است، درحالی که این روش موجب پیشرفت فراوان زبان آموزان به ویژه در حوزه درک مطلب می‌شود (هالاها، ۱۳۷۱: ۷۱).

به علت توسعه و محبوبیت استفاده از روش تدریس تکلیف محور توسط محققان و معلمان و برنامه ریزان و تاثیر اثربخشی این رویکرد، زمان آن رسیده است تا توجه ویژه ای به این موضوع شود. منطقی به نظر می‌رسد که فراگیران زبان دوم باید دایره واژگانی خود را توسعه داده و لغات جدیدی به گنجینه زبان خود بیفزایند تا بتوانند در بحث های علمی و شغلی مربوط به خود توانایی لازم را داشته باشند. این اتفاق نمی‌افتد مگر از طریق خواندن و درک مطلب که کمک شایانی به یادگیری لغات زبان فراگیران کرده تا توانش زبانی آنان را بر ارتباط با دنیای بیرون فراهم سازد (رشیدور، ۱۳۷۱: ۶۲).

فعالیت‌های تکلیف‌محور، فعالیتی‌هایی هستند که جهت کمک به دستیابی به اهداف آموزشی خاصی طراحی شده‌اند. تدریس تکلیف‌محور زبان رویکردی در تدریس برمبنای استفاده از تکالیف ارتباطی و تعاملی در تدریس است. این نوع تدریس را مبنای یادگیری زبان می‌دانند. چون مستلزم ارتباط معنادار و تعامل، واجد مبادله و مذاکره و دارای کاربرد واقعی زبان است. تدریس تکلیف‌محور، نوعی گسترش اصول تدریس ارتباطی زبان است و تلاشی است از جانب هواداران آن برای کاربرد اصول یادگیری زبان دوم (مرجانی، ۱۳۹۷: ۱۲).

۳- نتیجه‌گیری

زبان، نهادی است اجتماعی که در لایه زیرین سایر نهادهای اجتماعی قرار گرفته و معنی‌بخش آنهاست. زبان، آفریده انسان است که پس از آفریده شدن، دست به آفریدن دوباره انسان و نحوه زندگانی او می‌زند. بنابراین زبان در همه لایه‌های زندگانی بشر مدخلیت دارد و آموختن آن و بهتر آموختن آن راهی است برای بهتر ساختن زندگانی بشر. آموختن زبان مادری و عمومی، لازم است، اما آموختن زبان‌های خارجه نیز دارای اهمیت بسیار است. زبان‌آموزی، مهارت‌های متعددی دارد که مهم‌ترین آنها چهار مهارت خواندن و نوشتن شنیدن و درک کردن است. مهارت فهمیدن و درک مطلب در کلاس‌های زبان‌آموزی در مراتب پایین‌تر اهمیت قرار می‌گیرد، در حالی که می‌باید آن را در زیربنای همه مهارت‌های زبان قرار دهند. در اغلب کلاس‌های زبان، دستور زبان را در مرحله اول قرار می‌دهند، در حالی که خود دستور زبان متوقف بر درک مطلب است. اگر جای واژه‌ها و ارتباط آنها با یکدیگر درک نشود، کارکرد دستوری آنها نیز درک نمی‌شود. با توجه به اهمیت فوق العاده زبان و اهمیت فوق العاده درک مطلب، روش‌های زیادی برای آموختن بهتر این مهارت ابداع شده است که یکی از این روش‌ها روش وظیفه‌محور یا تکلیف محور است. در روش وظیفه‌محور، تلاش بر آن است که زبان‌آموز با برعهده گرفتن وظایفی که تا آن لحظه بر عهده او نبوده است، سعی کند که به درک بهتری از زبان و متن برسد. این تکالیف می‌تواند به دسته‌های متفاوتی تقسیم شود، از جمله تکالیف فردی و تکالیف جمعی، همچنین تکالیف می‌توانند تکالیف منزل و تکالیف آموزشگاه باشند. نیز تکالیف می‌توانند یک‌سویه یا تعاملی باشند. در هر حال تحقیقات نشان دهنده آن است که استفاده از روش وظیفه‌محور یا تکلیف محور، تاثیر بسیار نیکویی در مهارت درک مطلب دارد.

فهرست منابع

- تقی‌پور ظهیر، علی. (۱۳۷۱). مقدمه‌ای بر برنامه ریزی آموزشی و درسی. تهران: آگاه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانش‌تهران.
- رشیدپور، مجید. (۱۳۷۱). رشد عقلی تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- صحرایی، رضامراد. (۱۳۹۰). «برنامه درسی تکلیف محور؛ رویکردی نوین برای تقویت فارسی‌آموزی». فصلنامه متن پژوهی ادبی. شماره ۴۷. صص ۵۳-۶۸.
- صدیقی‌فر، زهره. (۱۳۹۱). «آموزش جمله‌های شرطی زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان: مقایسه‌ی دو روش تدریس ساختاری و تکلیف-محور». پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان شماره ۲. صص ۴۱-۵۲.
- مرجانی، رسول. (۱۳۹۷). «طراحی فرایند نوشتن در سطح پایه با بهره‌گیری از رویکرد وظیفه‌محور در چارچوب رویکرد ارتباطی». دوفصلنامه مطالعات آموزش زبان فارسی. شماره ۷. صص ۱۲-۲۷.
- هالاهان، دانیل‌پی و کافمن، جیمز جی (۱۳۷۱)؛ کودکان استثنایی، ترجمه فرهاد ماهر، تهران، رشد، چاپ اول.